

نقدی بر خوانش‌های جناحی از سخنان رهبری

نقطهٔ نزاع را اشتباه نگیرید

هرگاه رهبر انقلاب در یک سخنرانی کلیدی، نقشه راه کشور را ترسیم می‌کنند و با صراحت، نقطه نزاع اصلی را از داخل به خارج منتقل می‌سازند، شاهد دنده معکوس کشیدن برخی افراد و جریانات سیاسی در بزنگاه‌های حساس هستیم. آن‌ها به جای حرکت در مسیر تعیین شده و تمرکز بر دشمن اصلی، بلافاصله ابزار کار خود را برمی‌دارند و شروع به «این و آن» سازی داخلی می‌کنند. این رفتار نه تنها از اهداف اصلی منحرف است، بلکه در عمل، آب به آسیاب دشمن می‌ریزد.

این پدیده، در چند حالت قابل تصور است: یا درک درستی از شرایط ندارند و به دلیل ساده‌لوحی و غفلت، در دام دشمن می‌افتند؛ یا فهم درستی دارند اما از سر لجاجت و منافع حزبی، نمی‌خواهند آن را اجرا کنند و یا حتی بدتر، آگاهانه و عامدانه در جهت عکس سیاست‌های نظام حرکت می‌کنند. هر سه حالت مذموم است و در نهایت به تضعیف جبهه داخلی در برابر دشمن خارجی تبدیل می‌شود. این رویه، یک انحراف استراتژیک است که می‌تواند دستاوردهای بزرگ ملی را به خطر بیندازد و کشور را در مسیر نابودی قرار دهد.

بر نقطهٔ نزاع اصلی تمرکز کنید

رهبر انقلاب در سخنرانی اخیر خود، ریشه دشمنی ۴۵ ساله آمریکا با ایران را با وضوح تبیین کردند. ایشان با اشاره به سخنان صریح مقامات آمریکایی، تأکید کردند علت اصلی این دشمنی، نه بهانه‌های حقوق بشری یا مقابله با تروریسم، بلکه صرفاً «گوش به فرمان نبون» ایران است. این تحلیل، یک واقعیتهی تلخ اما مهم را پیش روی ما می‌گذارد که آمریکا خواهان حل مشکلات با ایران نیست، بلکه هدفش تسلیم کردن کشور است.

از این رو، هرگونه تلاش برای مذاکره صرف و مستقیم با آمریکا تنها یک ساده‌انگاری خطرناک است. این گروه‌ها با این ترهیم که با کنار گذاشتن شعار «مرگ بر آمریکا» مشکلات حل می‌شود، از هدف اصلی دشمن

غافلند. آن‌ها در نمی‌کنند که هدف آمریکا از مذاکره، نه رسیدن به یک راه‌حل برد - برد، بلکه تحقق همان تسلیم شدن است. اینجاست که بارها و بارها تأکید شده است که نقطه نزاع اصلی، در خارج از مرزها و در برابر دشمنان قسم‌خورده‌ای چون آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارد و نه در داخل. این تبیین استراتژیک، یک فرمان هوشمندانه برای کل نظام است تا از گرفتار شدن در دام‌های داخلی و حاشیه‌ای بپرهیزند.

رهبر انقلاب با این تحلیل، یک حقیقت تلخ تاریخی را بازخوانی می‌کنند. از دهه‌ها قبل و حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، هرگاه ملت ایران اراده کرده تا بر مسیر استقلال و عزت خود حرکت کند، با موانع و کارشکنی‌های قدرت‌ها روبه‌رو شده است. این دشمنی، یک دشمنی ایدئولوژیک و ماهوری است. دشمنی با نفس وجود یک ملت مستقل که نمی‌خواهد تحت سلطه قرار گیرد. بنابراین، ساده‌انگاری کسانی که فکر می‌کنند با لبخند و مذاکره و حذف شعار می‌توان این دشمنی را از بین برد، نشان از عدم درک عمیق ماهیت دشمنی‌ها با ایران است.

تاکتیک نخ‌نمای سیاست‌بازان

با وجود این تحلیل صریح و بی‌ابهام، بلافاصله پس از سخنرانی، شاهد بودیم که برخی از جریانات سیاسی، به جای تمرکز بر پیام اصلی وحدت و مقابله با دشمن، با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، به حاشیه‌سازی و اختلافات داخلی دامن‌زدند. این رفتار مصادق بارز «مصادره به مطلوب کردن» سخنان رهبری است. آن‌ها به جای آنکه از خط مشی‌ها تبعیت کنند، سعی می‌کنند سخنان ایشان را به نفع خود و علیه رقبای سیاسی به کار بگیرند. این افراد با برجسته کردن باورهای سخنرانی و نادیده گرفتن متن اصلی، به دنبال تحقق اهداف شخصی و حزبی خود هستند. درحالی‌که رهبر انقلاب از تلاش دشمن برای ایجاد چندصدایی و اختلاف خبر می‌دهند، این افراد خود با دامن زدن به میاشخی مانند استیضاح رئیس‌جمهور یا حمله به فلان جریان سیاسی در میانه جنگ، تبدیل به عامل اصلی ایجاد این چندصدایی و اختلاف می‌شوند. این رفتار نه تنها وحدت ملی را مخدوش

بیانیهٔ اصلاحات خوانشی ما کی‌اولیستی از ایران دارد

بیانیه حزب ملت ایران و در نهایت همین بیانیه آخر.

اساس کار این طیف از اصلاحات این است، منتها اصل موضوع خیلی عجیب است؛ چراکه وقتی در کشوری بحران ملی رخ می‌دهد، همه اختلافات را کنار می‌گذارند، از خواسته‌هایشان می‌گذرند و دست به دست هم می‌دهند تا مشکل را حل کنند. اما در ایران ما برعکس است؛ می‌گویند، حاکمیت گرفتار شده ما باید بیاییم مطالباتمان را مطرح کنیم. این کثیف‌ترین رویکردی است که به روش ماکیاوولی در ایران دنبال می‌شود.

طبیعی است که چنین کاری همسو با مواضع افرادی مثل ترامپ باشد؛ ترامپ می‌گوید ایران حق ندارد غنی‌سازی کند، وزیر خارجه آمریکا می‌گوید ایران حق ندارد غنی‌سازی کند یا پهلوی‌ها می‌گویند مردم ایران اصلاً با حکومت نیستند. شما تمام رگه‌هایی که از غرب یا ایوزیسیون خارج از کشور مدعی آن است، در این بیانیه‌ها با یک ادبیات تملطیف‌شده می‌بینید. بنابراین منظور از همسویی با نتانیاهو و ترامپ، این نیست که خط ارتباطی مستقیم دارند؛ بلکه یعنی اهداف مشترک دارند و به یک تقاطع مشترک رسیده‌اند. هدف‌گذاری مشترک است. اختلاف میان آن‌ها و ترامپ و نتانیاهو فقط در روش است؛ آن‌ها نهایتاً به بمب و سلاح اف-۳۵ معتقدند، اما این‌ها می‌گویند باید به روش غیر مسلحانه از جمهوری اسلامی عبور کنیم.

می‌کند، بلکه اهرم طرف مقابل در رسیدن به مطلوبش است. این انحراف تاکتیکی، نشان می‌دهد برای این جریانات، منافع حزبی و جناحی بر منافع کلان ملی اولویت دارد. آن‌ها حاضرند برای پیروزی در یک نزاع داخلی، از دستورالعمل‌های اصلی کشور چشم‌پوشی کنند.

این مصادره به مطلوب کردن مفاهیم به یک تاکتیک نخ‌نما و تکراری تبدیل شده است. آن‌ها هرگاه در یک بحث سیاسی به بن‌بست می‌رسند، برای خود مشروعیت‌تراشی می‌کنند، به سیاست‌های نظام پناه می‌برند و سعی می‌کنند آن را به نفع خود تفسیر کنند. این کار، نوعی استفاده ابزاری از خط‌مشی‌های کلانی است که هم اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم بر منافع کشور تیغ می‌کشد.

ساده‌انگاری، لجاجت یا فریب‌خوردگی؟

رفتارشناسی این جریانات در سه سطح قابل بررسی است.

ساده‌انگاری و غفلت: برخی از این افراد ممکن است به دلیل فقدان تحلیل عمیق سیاسی، واقعاً درک درستی از شرایط نداشته باشند. آن‌ها ناخواسته و به دلیل ساده‌اندیشی، در زمین دشمن بازی می‌کنند. این گروه، به دلیل عدم فهم صحیح از سیاست‌های کلان نظام، به جای حرکت در مسیر وحدت، به تفرقه دامن می‌زنند. این اتفاق در فضای سیاسی امروز که رسانه‌های دشمن به شدت فعال هستند، بسیار رایج است. برخی افراد به دلیل بهمباران اطلاعاتی و تحلیل‌های سطحی، از عمق مسائل غافل می‌مانند و ناخواسته در پازل دشمن قرار می‌گیرند.

لجاجت و منافع حزبی: گروهی دیگر، پیام رهبری را به خوبی درک می‌کنند، اما از سر لجاجت و برای تأمین منافع حزبی، نمی‌خواهند آن را اجرا کنند. آن‌ها با سیاست‌های کلان نظام مخالفند و به همین دلیل سعی می‌کنند با برداشت‌های نادرست، مسیر اصلی را منحرف کنند. این لجاجت در نهایت به ضرر منافع ملی، وحدت کشور و جایگاه رهبر انقلاب است. این افراد حاضرند برای پیروزی بر رقیب سیاسی، حتی دست به اقداماتی بزنند که منافع ملی را به خطر بیندازد. در این دیدگاه،

منافع شخصی و جناحی از هرچیز دیگری مهم‌تر است.

فریب‌خوردگی و شرک خدمت: خطرناک‌ترین حالت این است که این افراد آگاهانه و عامدانه در مسیر خواسته‌های دشمن حرکت می‌کنند. برخی از این رسانه‌ها و افراد ممکن است نیروهای نفوذی باشند که هدفشان ایجاد اختلاف و تفرقه در داخل کشور است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که تنها راه مقابله با قدرت ایران، ایجاد جنگ داخلی و چنددستگی است. آن‌ها مأموریت دارند تا با طرح مسائل حاشیه‌ای، انرژی کشور را در داخل هرز بدهند و از تمرکز بر دشمن اصلی جلوگیری کنند. این حرکت خلاف جهت، نه تنها به نظام، بلکه به کل ملت ایران ضربه می‌زند و می‌تواند منجر به از دست رفتن دستاوردهای بزرگ ملی شود.

اتحاد مقدس؛ تنها راه پیش رو

سخنرانی اخیر رهبر انقلاب، یک بار دیگر مرز میان دوست و دشمن را مشخص کرد و مسیر حرکت کشور را روشن ساخت. هرگونه تلاش برای انحراف از این مسیر و ایجاد نزاع در داخل، بازی در زمین اغیار است. مردم و مسئولان باید هوشیار باشند و اجازه ندهند که اختلافات داخلی، وحدت ملی را مخدوش کند.

همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید کردند، امروز بیشترین تلاش غرب برای خدشه‌دار کردن «هم‌صدایی» و «همدلی» مردم است. این «سپر پولادین» که از اراده‌های مردم و مسئولان شکل گرفته، نباید شکسته شود. کسانی که با نوشته‌ها و گفتار خود به این وحدت خدشه وارد می‌کنند، یا غافلند یا نفوذی.

مسئولان کشور باید با وحدت و همدلی، به یکدیگر کمک کنند. مردم نیز باید از مسئولان به خصوص رئیس‌جمهور در این برهه حساس حمایت کنند. این یک «اتحاد مقدس» است که باید با تمام وجود از آن محافظت شود. نه اینکه به بهانه حفظ آن، از هر سو به آن سنگ‌پرانی شود. حفظ این وحدت، یک وظیفه ملی و انقلابی است که بر عهده همه ماست و هرگونه انحراف از آن، پشت‌پازدن به منافع کشور است.



راهبردی در بخشی از اصلاح‌طلبان و کسانی که بیانیه آخر را صادر کردند، وجود دارد. در دوران جنگ و بعد از جنگ بیش از ۱۰ بیانیه و نامه صادر کرده‌اند، ولی آخرین بیانیه به این خاطر که به موضوع غنی‌سازی اشاره کرده، بیشتر مورد توجه قرار گرفت و بقیه این موارد، چندان مورد توجه قرار نگرفت. علت انتشار این بیانیه آن است که آن‌ها یک باوری دارند، این باور را در سال ۸۷ ـ حدود هفت، هشت ماه قبل از فتنه ۸۸ ـ به یک سند تبدیل کردند. با این مضمون که ما مشکلاتی با حاکمیت داریم، فرضاً با یک قانون مخالف هستیم، ما را در قدرت راه نمی‌دهند، سیاست خارجی یا قانون حجاب را قبول نداریم. بنابراین وقتی حاکمیت در بحران‌های ملی گرفتار شد، ما باید به میدان بیاییم و مطالباتمان را مطرح کنیم؛ چون حاکمیت در شرایطی است که گرفتار شده و الان به خواسته‌های ما پاسخ می‌دهد. متأسفانه اصلاً جمهوری اسلامی را نمی‌شناسند و هر آنچه از یک اندیشمند غربی خوانده‌اند را می‌خواهند همان را اینجا پیاده کنند. بنابراین حجم بیانیه‌ها و نامه‌های بعد از جنگ، زیرساخت فکری‌اش همین موضوع است؛ از بیانیه‌های ۷۰۰ نفره ۱۸ و ۹۸ نفره گرفته، تا بیانیه آقای موسوی، نامه اصلاحات به پزشکيان،

تجویز عدالت اجتماعی برای مقاومت فعالانه

ادامه از صفحه یک



آنچه را به‌عنوان تحلیلی کوتاه در باره نقطه قوت کشور در جنگ گفته شد بیشتر می‌توان در حضور عنصر ذهنی - یعنی معنویت و مؤلفه عینی انسجام (در مصادیق خاص) مشاهده کرد؛ اما همچنان سایر محورها دچار مشکلات و ضعف‌های جدی هستند که باید در دوران پسا جنگ برای آنها تدبیر کرد.

با این بیان به نظر می‌رسد مصادیق فعالیت و نقاط تمرکز بازیگران مختلف ملی در دوران پسا جنگ کمی مشخص تر خواهد بود - امری که در پیام اخیر رهبر معظم انقلاب نیز خود را نشان می‌داد.

متناسب با آنچه تا بدین جا بیان شد، نقشه تحلیلی - تجویزی اولویت‌های کشور در دوران پسا جنگ را می‌توان این گونه ترسیم کرد.

هشت-باکس پایین پازل‌های اصلی دستگاه محاسباتی و نرم‌افزار ساخت عادلانه جامعه هستند و ظرفیت آن برای هر نوع مقاومت در آینده نزدیک را تعیین خواهند کرد. بررسی تفصیلی وضعیت کشور در هر هشت‌خانه خود نیازمند یادداشت دیگری است؛ اما نگاهی اجمالی به ما نشان می‌دهد در هر خانه جامعه مزایا و ضعف‌هایی دارد؛ البته با شدت‌های مختلف.

مبتنی بر این نقشه‌خوانی از وضعیت میدانی کشور، برخی رنوس و اولویت‌های اجرایی نظام خط‌مشی‌گذار و اجرایی کشور عبارتند از:

رصد مستمر ادراک بدنه اجتماعی در هر یک از ارکان معنویت، انسجام، دولت، معیشت؛ این پایش مستمر هم نیازمند یک چهارچوب مفهومی بومی و قابل اتکاست و باید بتواند طیف‌های متنوع و رنگارنگ مردم را درست در خود جای دهد. مطلب مهم آن است که سرخط این رصدها باید در اختیار تربیون‌داران و خطبای حوزوی قرار گیرد.

تشکیل اتاق جنگ اقتصادی: اگرچه تشکیل شورای دفاع با همه شتون یک

تولید ملی: شاید بسیاری از ما نام امسال از خاطر مان رفته باشد اما باید مجدداً با خودمان و به دولت یادآوری کنیم که ستون فقرات بهبود معیشت و بهبود قدرت اقتصادی کشور از مسیر «تولید» می‌گذرد. تحرک بیش‌از پیش به تولید نیمه‌خوابیده و تمهید زیرساخت‌های آن (انرژی، سرمایه در گردش، نیروی انسانی، مواد اولیه و...) اولویت مهم امسال و سالیان بعد است. البته خود مسئله ناترازی انرژی نیازمند بسته اجرایی مستقل و فوری‌تری است. معیشت و بازسازی پسا جنگ: اگرچه محوریت تولید در ارتقای معیشت مورد تأکید واقع شدد اما توجه به معیشت در کوتاه‌مدت یک نیاز ضروری است. از میان عناصر متعدد معیشتی به نظر می‌رسد محافظت از خانوارها در مقابل افزایش لجام‌گسیخته قیمت مواد غذایی و خوراکی و تأمین سبد غذایی کامل با قیمت مناسب (نه آنکه صرفاً پولی به سرپرستان داده شود که پس از مدتی ارزش آن به اندازه یک کیلو برنج هم نرسد) باید در دستورکار قرار گیرد. اساساً زیرساخت کالابرج در کشور برای چنین امری تعبیه شده بود وگرنه واریز پول به حساب سرپرست خانوار نیازمند این همه اقدامات فنی - اجرایی نبود. علاوه بر این بحث «بازسازی» نیز همچنان بدون صاحب آرامش مصنوعی خط‌مشی‌گذاران را از بین ببرد و اولویت تدوین بودجه‌ای یا (شهرداری، بنیاد مسکن، نظام‌مهندسی و...) پیدا کند تا امکان حساب‌کشی، پاسخگویی و گزارش دهی دقیق در این زمینه فراهم شود.

ارکان اصلی ساخت جامعه عادلانه				
برش‌ها	معنویت	انسجام اجتماعی	حاکمیت قوی	معیشت متوازن
عینی	✓	✓	✓	✓
ذهنی	✓	✓	✓	✓

ارکان اصلی ساخت جامعه عادلانه

برش‌ها	معنویت	انسجام اجتماعی	حاکمیت قوی	معیشت متوازن
عینی	گسترش ذکر و تضرع در سطح جامعه	همکاری، همراهی، کمک و تشکیل هسته‌های کوچک مردمی- اجرایی با صبغه‌های مختلف (اقتصادی، امنیتی، نظامی و...)	فاصله کم تصمیم تا اجرا، بهبود معیشت، ضریب امنیت	افزایش قدرت خرید خانوار، حجم تولید ملی
ذهنی	باورهای معنوی و آرامش روحی جامعه	اعتماد اجتماعی به کنش‌ها، واکنش‌ها و تدابیر حاکمیتی	ادراک عمل و فعالیت مدبرانه	تورم انتظاری